

از منابع آلمانی

برگردان : داؤد اسعد

۰۹/۰۵/۲۰۱۴

اوباما، روسیه و اتحادیه اروپا

بخش اول



رئیس جمهور امریکا در وقفه های کوتاهی سه "دستور العمل اجرائیوی" صادر نمود. ازین دستور العمل ها میتوان در جایگاه اصولی برای پیشبرد جنگ اقتصادی بی بدیلی علیه روسیه استفاده کرد. جمهوری فدرالی آلمان و همچنان اتحادیه اروپا باید در زمینه دوشادوش همدیگر عمل کنند

گرد آورنده ونویسنده: کنوت میلینتین خبرنگار روزنامه یوونگی ویلت

باراک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده امریکا و انگیلا میرکیل نخست وزیر آلمان روز جمعه پیش در نشست شان در واشنگتن روسیه را از نظر کمی با تشدید تحریمها تهدید کردند. پیش ازین روز دوشنبه هر یک طور جداگانه تدابیر جدید جزایی را علیه روسیه اعلام نموده بودند. وزارت مالیه ایالات متحده هفت شخص منفرد و ۱۵ مؤسسه اقتصادی را به آن لستی اضافه کرد که از میانه ماه مارچ بدینسو وجود دارد. بدین ترتیب اداره اوباما برای نخستین بار با چنین معیار گسترده یی در برابر اقتصاد روسیه برخورد نمود. تا آنزمان بانک روسیه به صفت یگانه هدف اقتصادی درین لست یاد شده بود. باید گفت که این بانک در میان انستیتوت های پولی

روسیه مقام چهاردهم را دارد. شامل ساختن این بانک درین لست بمعنی آنستکه استفاده از دارایی های افراد سرشناس و مؤسسات اقتصادی در ایالات متحده آمریکا ممانعت میشود. هیچ یک از اتباع ایالات متحده حق آنرا ندارد که باینها مناسبات تجاری داشته باشند. گذشته ازین افرادیکه شامل این لست هستند اجازه سفر به ایالات متحده آمریکا را ندارند.

مضاف بر این وزارت های تجارت و امور خارجه ایالات متحده آمریکا روز ۲۸ اپریل ابلاغ داشتند که آنها بعد ازین هیچ اجازه نامه یی را برای صدور کالا های تکنالوژی پیشرفته نظامی که در جهت تشدید قابلیت نیرو های مسلح روسیه باشد صادر نخواهند کرد. منظوری های قبلاً اعطاً شده درین زمینه باید دوباره فسخ گردند. همه پروسه هاییکه درین عرصه در حال تطبیق بودند طوریکه سخنگوی حکومت ایالات متحده رسماً به اطلاع رسانید حتی در اوایل ماه مارچ متوقف گردیدند.

در مقابل تحریم های جدید اتحادیه اروپا در مقایسه با تحریم های یاد شده خلیها نا متوازن است. به لست سیاهی که شامل ۳۳ تبعه روسی و اوکراینی بود ۱۵ تن دیگر افزوده شدند. حساب های بانکی افراد متذکره مسدود گردیده و آنان حق مسافرت را به هیچ یک از کشور های عضو اتحادیه اروپا ندارند. از اتخاذ تدابیر در برابر مؤسسات اقتصادی روسیه تا حال حکومت های اروپایی خود داری کرده اند. این مطلب مایه تعجب نیست زیرا حجم تجارت اتحادیه اروپا با روسیه ۱۰ برابر حجم تجارت ایالات متحده آمریکا با روسیه است. ولی آنچه که با صادرات رابطه دارد باید گفت که ماسکو چهارمین مشتری با اهمیت اتحادیه اروپا- بعد از ایالات متحده آمریکا، چین و سویس- است. در مقابل روسیه برای ایالات متحده آمریکا به صفت مشتری در مقام بیست و هشتم قرار دارد. اندکی بیشتر از ۱% صادرات ایالات متحده وارد روسیه میگردد. هرگاهی واردات و صادرات را بطور کل جمع بندی کنیم روسیه مقام بیستم را در میان مشتری های ایالات متحده احراز میکند. و اما در اتحادیه اروپا این کشور در مقام سوم قرار دارد.

متعادل با آن تضاد ها میان ایالات متحده آمریکا از یکجانب و کشور های برجسته اتحادیه اروپا از جانب دیگر خلیها درشت و زننده است. در میان آنها جمهوری فدرال آلمان طور عینی و متکی به اظهارات همگون همه قماش های سیاسی ایالات متحده آمریکا "نقش کلیدی" را ایفا مینماید. هر گاهی در عمل برای اداره اوباما این فرصت دست دهد تا استراتیژی تحریم تقابلهایانه اش را به مشی عمومی اروپایی مبدل سازد در آنصورت ممکن است امپریالیزم ایالات

متحدۀ امریکا به رقباي خویش مضار اقتصادی بزرگی را متوجه سازد در حالیکه منافع از دست رفته خودش آنقدرها سنگینی ندارد.

بنائاً اوباما دلایل خوبی داشت تا انگیلا میرکیل را در جریان کنفرانس مطبوعاتی مشترک به روز جمعۀ قبلی در جایگاه "یکی از همپرازان نزدیک من" نام نهد و آلمان را در مقام "یکی از متحدین نیرومند ما" معرفی و داخل محرکه سازد. بخاطر آنکه تناقض واقعی منافع خلیها از هم متفاوت اند بهمان پیمانۀ مکرراً و با دغدغه، وحدت- ویا اینکه سیاستمداران آلمانی با اتکاً به عنعنۀ های نیمه پسندیده میگویند: "همپسندی"- میان ایالات متحدۀ امریکا و جمهوری فدرال آلمان را به مناظره میگیرند.

"همپسندی" در تبلیغات هنگام جنگ اول جهانی فورمولی برای پایداری بدون قید و شرط رایش آلمان و سیستم شاهی هابسبورگی بود.

اوباما پیش از اعلام تحریم های جدیدش بتاريخ ۲۸ اپریل از طریق تیلفون وبه شیوۀ علنی از همه متحدین ایالات متحدۀ امریکا تقاضا نمود تا یک "جبهۀ همگون" را تشکیل داده و با مشی تشدید گرایانۀ واشنگتن مشارکت ورزند. نتیجۀ آن به تاریخ ۲۵ اپریل چیز دیگری به غیر از اعلام چند دیدگاه دقیق ولی محدود کشور های جی ۷ نبود. در حلقۀ هفت کشور پیشرفته صنعتی گذشته از ایالات متحدۀ امریکا کشور های بریتانیا، آلمان، فرانسه و ایتالیا کشور های کانادا و جاپان نیز عضویت دارند. بعد از آنکه روسیه بتاريخ ۲۵ مارچ بگونه جزایی از جمع این کشور ها حذف گردید اکنون خود را دوباره جی ۷ نام میگذارند.

سکتور انرژی دست ناخورده میماند

باوجود آنکه تدابیر اعلام شده از طرف ایالات متحدۀ امریکا از یکجانب و اتحادیۀ اروپا، کانادا و جاپان از جانب دیگر خلیها از همدیگر متفاوت اند ولی - بگفته همه اتخاذا کننده های این تدابیر- اصولاً موافقه شده استکه تحریمها علیه روسیه در وهلۀ بعدی بایست خلیها شدید تر باشند. درین زمینه گفته میشود که از چندین هفته بدینسو "تبادل نظر میان افراد کارآگاه" و مذاکرات میان سیاستمدار ها در جریان است. به جزء از خوانش کلمات پر طمطراق از اظهارات اوباما چون "تحریم های سکتوری با پهنۀ گسترده" در همه احوال نمیتوان بطور علنی امری را

واضح ساخت و یا در عمل هدف ازین اظهارات را شناسایی کرد. به گمان اغلب مطلب روی آن میچرخد که کشور های غربی به این تصمیم رسیده اند تا از فروش تولیدات معین تکنالوژی پیشرفته به روسیه اجالتاً ابا ورزند ویا اینکه صدور همه انواع کالا های تسلیحاتی را به آنجا ممنوع قرار دهند. تعدادی ازین مسایل تجاری بخصوص خریداری دو کشتی جنگی فرانسوی از نوع "میسترال" در میان مقامات نظامی روسیه سوال بر انگیز است. منتقدان روسی مشکوک هستند که اتخاذ چنین تصمیمی متوجه وارد آوردن ضربه به صنایع تسلیحاتی داخلی میباشد و مزید بر این راه داشتن رشوه ستانی در بستن این ویا آن قرارداد تجاری نقش با اهمیتی را بازی نموده است.

به مطالبه فتنه افروزان سیاسی و خبری که میخواستند بدانند، آیا "تحریمهای سکتوری" در عرصه انرژی روسیه نیز تطبیق میگردد اوباما طی کنفرانس مطبوعاتی مشترک با انگیلا میرکیل بتاريخ ۲ ماه می جواب رد قاطع داده وافزود: "در نظر داشته باشید که ما در رابطه با تحریمهای سکتوری با تعداد زیادی از پرابلمها روبرو هستیم. انرژی از روسیه به کشور های غربی صادر میگردد. صدور انرژی در جریان جنگ سرد و حتی در بغرنج ترین مراحل جنگ سرد ادامه داشت. از همینجاست که فکر میکنم داشتن تصور در مورد اینکه میتوان صدور گاز طبیعی و نفت روسیه را با فشار دادن دکمه یی توقف داد از واقعیت به دور است".

استخراج کننده های گاز طبیعی در ایالات متحده آمریکا برای تسخیر دراز مدت بازار اروپایی نخست از همه امید وار شدند. اما تاکنون حکومت ایالات متحده به دلایل استراتژیک از سیاست پیوستن به صدور محدود منابع انرژی استفاده بعمل می آورد. این امر برای عرضه کننده های گاز طبیعی نه تنها به این دلیل ناخوش آیند نیست که آنان در بازار جهانی قیمت های بیشتری را در مقایسه با بازار داخلی دیکته میکنند بلکه سازماندهان نیرومند آن به موقع با استفاده از بحران اوکراین فرصت آنرا می یابند تا تسهیلاتی را در زمینه مقررات مطالبه نموده و در عین حال مقاومت های هیکولوژیک را بگونه مثال در برابر تخریب محیط زیست یا (فریکنگ) و یا آغاز برمه کاری ها در مناطق تثبیت شده طبیعی محفوظ با دغدغه ناسیونالیستی خاص شان در دست اجرا قرار داده و همه نورمها را نادیده بگیرند.

جمهوریخواهان برای صدور گاز طبیعی ازین نظر پشتیبانی میکردند که گاز طبیعی برای صدور از راه بحری باید نخست به گاز مایع مبدل گردد و صدور آن به ۱۵۹ کشور عضو سازمان جهانی

تجارت (۱) مجاز باشد. تا حال واشنگتن فقط برای آن‌ده از کشور هاییکه با آنها قرار داد تجارت آزاد را دارد این استثنأ را عملی میدارد که شامل ۲۰ کشور در جهان میباشد.

اما درین عرصه با در نظر داشت دلایل تخنیکي چنین تغییرات عاجل امکان پذیر نیست. هر گاهی پروسۀ منظوری آنرا در نظر هم نگیریم برای زمان مدید و پر مصرف هزینه های هنگفتی ضرورت است تا بتوان گاز مایع را از کانادا و ایالات متحدهٔ امریکا به اروپا صادر کرد. حکومت امریکا به همتا های اروپایی شان اطلاع داده اند که پیش از رسیدن دهۀ بعدی نمیتوان کاری را انجام داد.

ادامه دارد!

WTO(۱)